تطبیق نقوش زربفت‌های گورکانی هند با زربفت‌های صفوی*

فریده طالب‌پور**
سوسن خطایی***

چکیده

پارچه‌های زربفت، گروه مهمی از پارچه‌های دوره صفوی است که تعداد قابل توجهی از آنها در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود. بافت پارچه زری به عنوان هنری ظریفه در ایران دوره صفویه بسیار مورد توجه قرارگرفت. در این دوره، روابط مناسبی بین پادشاهان صفویه و حکام گورکانی هند برقرار بود و هنرمندان دو کشور با یکدیگر ارتباط گسترده‌ای داشتند، لذا شیوه‌های هنری آنها از یکدیگر تأثیر پذیرفتند به نحوی که می‌توان وجود نقش‌مایه‌های مشترکی را در منسوجات دو سرزمین، از جمله زربفت‌ها مشخص کرد. مطالعه و بررسی این آثار، روشنگر تأثیرپذیری پارچه‌های زری هند از پارچه‌های زری صفویه است.

در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی، توصیفی و تطبیقی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تصویری، تأثیرپذیری زربفت‌های گورکانی هند از آرایه‌های تزئینی و نقوش زری‌های دوره صفوی در ایران بررسی می‌شود. مقاله حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی و مقایسه نگاره‌ها و ترکیب‌بندی ساختار نقش زری‌های هندی گورکانی با زری‌های دوره صفوی، نقوش آنها را براساس مضامین و موضوعات بکار رفته در بافت پارچه‌ها، دسته‌بندی و شناسایی کند. این بررسی نشان می‌دهد طرح این منسوجات به نقوش بندی، تصویری، راه راه، لچک و ترنج‌دار و نوشته‌دار تقسیم می‌شود. در این پارچه‌ها از عناصر تزئینی گوناگونی مانند گل‌ها و گیاهان، جانوران، پرندگان، انسان، اشکال هندسی و نوشته استفاده شده است. طرح و نقش زربفت‌های صفوی بسیار متنوع است و در تعدادی از زربفت‌های گورکانی، نقوش گل‌ها و درختچه‌هایی دیده می‌شود که سبک آنها به گل‌ها و بوته‌های ایرانی شباهت بسیاری دارد.

واژگان کلیدی

زربفت، طرح، آرایه‌های تزئینی، صفوی، گورکانیان هند.

*. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است که در سال ۱۳۸۸ توسط «فریده طالب‌پور» و «سوسن خطایی» انجام گرفت.

**. دکتری شیمی نساجی و الیاف، دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. نویسنده مسئول ۸۸۰۳۵۸۰۱
talebpour@alzahra.ac.ir

***. دکتری پژوهش هنر. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
s.khataei@gmail.com

مقدمه

دوره صفویه (۱۷۲۲-۱۵۰۱میلادی/۱۱۳۵-۹۰۷هجری) دوره درخشانی برای پارچه‌بافی ایران است. در این دوره پارچه‌های متنوعی از قبیل زربفت، قلمکار و مخمل در مراکز تولید پارچه در ایران تهیه می‌شد. بافت پارچه‌های زربفت که در تهیه آنها از الیاف سیمین و زرین یا گلابتون استفاده می‌شود، در دوره صفویه به اوج خود رسید. حمایت شاهان و حکمرانان از زری‌بافی را می‌توان مهم‌ترین دلیل توسعه آن برشمرد.

در این دوره به واسطه شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ارتباط مناسبی بین دو خاندان پادشاهی ایران و حکومت مغولان گورکانی در هند وجود داشت و تعدادی از هنرمندان ایران به هند مهاجرت کرده و تحت حمایت حکمرانان آنجا قرار گرفته‌اند. از سویی دیگر تعدادی از هنرمندان هندی نیز به دربار شاهی ایران کوچ کرده و در کنار سایر هنرمندان ایرانی به فعالیت پرداخته‌اند. بنابراین می‌توان حضور نقش‌مایه‌های مشترکی را در آثار هنری گورکانیان هند و صفویان شناسایی کرد و از این طریق تأثیر هنر پارچه‌بافی ایران صفوی بر پارچه‌های تولید شده دوره گورکانیان هند معلوم می‌شود.

در این مقاله نگاره‌ها و فرم طرح و نقش در زربفت‌های گورکانی شناسایی و استخراج و سپس با نقوش زربفت‌های دوره صفوی مقایسه می‌شود تا شباهت‌های موجود بین زری‌های دو کشور مشخص شود. لذا اهداف این پژوهش عبارت است از:

- شناسایی پارچه زربفت و معرفی زربفت‌های هندی و فرایند تولید آن
- شناسایی و معرفی ویژگی‌ها و ترکیب‌بندی پارچه‌های زربفت
- طبقه‌بندی طرح و نقش در پارچه‌های زربفت

این پژوهش از نوع تاریخی، توصیفی و تطبیقی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تصویری است که نگارش آن با رویکرد توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است.

طرح و نقش این آثار با مطالعه زربفت‌های گورکانی و صفوی، شناسایی و سپس با یکدیگر مقایسه می‌شود. از این مطالعه می‌توان دریافت چگونه پارچه‌بافان هندی از نگاره‌های زربفت‌های صفوی در تزئین پارچه‌های خود استفاده کرده‌اند. چنین رویکردی در زمینه اقتباس از نقوش زری‌های صفوی متأثر از شرایط حاکم بر هنرمندان درباری هند است.

پارچه زربفت

پارچه زری یا زربفت با نخ‌های طلایی یا نقره‌ای بافته می‌شود که به این نخ‌ها «گلابتون» می‌گویند. برای تهیه نخ گلابتون، نوار نازکی از فلز طلا یا نقره به دور یک نخ ابریشمی پیچیده می‌شود. در فرایند تولید، ابتدا فلز ذوب شده و سپس از میان یک سری روزنه که قطر آنها به تدریج کم می‌شود، کشیده می‌شود تا اینکه اندازه قطر نخ فلزی به اندازه قطر موی انسان برسد. روی این نوارها که طول بلندی دارند ضربه زده می‌شود تا صاف شوند و سپس دور یک نخ ابریشمی پیچیده می‌شوند [Agrawal, 2003:57]. شیوه تولید نخ گلابتون در مراکز تولید زری در ایران صفوی نیز به همین صورت بود و هنوز هم در برخی از شهرها با این روش تهیه می‌شود.

زندگی شاهان و امرای صفوی بسیار مجلل بود و به دلیل وجود منابع مالی کافی در دربار، همواره تقاضای زیادی برای منسوجات و البسه نفیس وجود داشت. درباریان همیشه لباس‌های زیبای ابریشمی می‌پوشیدند که اغلب با نخ‌های طلایی یا نقره‌ای بافته شده بودند. این پارچه‌ها در مراسم درباری نیز نقش مهمی داشتند به نحوی که گاه مسیر عبور شاه یا مقامات، با آنها مفروش می‌شد.

پارچه‌های ابریشمی زربفت در زندگی روزانه مردم نیز به عنوان جلد کتاب، پاکت نامه، جلد قرآن، پرده، مخده[1] و دیوارکوب نیز به کار می‌رفتند [پوپ، ۱۳۸۷،ج۵ : ۲۳۸۶].

در ایران دوره صفویه کارگاه‌های بافندگی شاهی تحت نظارت دربار فعالیت می‌کردند و در آنها انواع پارچه‌های نفیس تولید می‌شد. این پارچه‌ها شامل طرح‌های تزئینی متنوعی بودند که برخی با نخ‌های سیم و زر بافته می‌شدند و نگارگران، بیشتر این نقوش را برای پارچه‌ها طراحی می‌کردند [رایس،۱۳۸۱: ۲۶۶].

در برخی از پارچه‌های زربفت عصر صفوی، نخ‌های فلزی در سطح و سراسر پشت پارچه به صورت شناور دیده می‌شود.

در این منسوجات ممکن است نخ‌ها به راحتی کشیده شده و پاره شوند. در نوع دیگری از زربفت‌ها، نخ‌های زری از زیر سطح عبور کرده و تار و پود اصلی را دربرمی‌گیرند. با این شیوه امکان پارگی نخ‌های شناور کم شده و از سوی دیگر وزن پارچه در همه جای آن یکسان خواهد شد. گاهی هم بافندگان در تهیه پارچه‌های نفیس زری از نقره زراندود استفاده می‌کردند [پوپ،۱۳۸۷،ج۵ : ۲۵۳۶].

«علامه دهخدا» در کتاب «لغت‌نامه» خویش ذیل معنی زری این چنین آورده است : "منسوب به زر- ساخته از زر- زرین- طلایی- پارچه زربفت- پارچه‌ای که پودهای آن طلا است- قسمی پارچه که تمام و یا گل‌ها و خطوط آن از تار و پود سیمین یا زرین باشد" [دهخدا،۱۳۷۳،ج۸ : ۱۱۳۱۷].

همچنین در فرهنگ فارسی «معین» ذیل معنی زربفت آمده است : "پارچه‌ای که در آن رشته‌های طلا به کار برده باشند" [معین،۱۳۶۳،ج۲ : ۱۷۳۰]. در دوره صفوی چندین نوع پارچه زربفت تولید می‌شد که از نظر شیوه‌های بافت می‌توان آنها را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد :

پارچه زربفت با تار ابریشم و پودهای گلابتون و ابریشمی که تعداد نخ‌های گلابتون آن بیش از نخ‌های پود ابریشمی بود و به آن «زری دارایی‌باف» می‌گفتند.

چنانچه تعداد نخ‌های پود ابریشمی بیشتر از نخ پود گلابتون بود، آن را پارچه «زری اطلسی‌باف» می‌نامیدند.

پارچه «زربفت پشت کلاف لپه باف» نیز با نخ تار ابریشمی و نخ پود ابریشمی و گلابتون بافته می‌شد که ظاهر پارچه شبیه سوزن‌دوزی می‌شد [کنبی، ۱۳۸۵: ۱۵۶].

سیاحانی که در دوره صفویه از ایران دیدن کرده‌اند، درباره منسوجات آن زمان گزارشاتی را ارائه کرده‌اند؛ «شاردن[۲]»که در عهد صفوی در ایران اقامت داشت، درباره پارچه‌های زربفت می‌نویسد : "نساجان، ابریشم را با سیم و زر مخلوط کرده و منسوجات نفیسی می‌بافند که آنها را زری می‌نامند. این پارچه‌ها را با نقش‌های گوناگون می‌بافند به طوری که می‌توان از آنها صد قسم مختلف به دست آورد.

پاره‌ای از آنها یک رو و پاره‌ای دو رو دارند، یعنی پشت و روی آنها یکسان است. پارچه‌هایی که در تزئین آنها طلا به کار رفته است، بسیار گران هستند و در تمام دنیا پارچه‌هایی نفیس‌تر و گران‌بهاتر از این پارچه‌های زربفت ایرانی پیدا نمی‌شود" [ایرانشهر،۱۳۴۳،ج۲: ۱۸۰۱].

«راجر سیوری[۳]» نیز گزارش کرده است که در دوره صفوی علاوه بر پارچه‌های زیبا، زربفت و مخمل‌هایی با کیفیت بافته می‌شد. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، منسوجات مورد نیاز شاه و درباریان تهیه و بخشی از پارچه‌های زربفت هم به اروپا و حتی در بیشتر مواقع به کشور هند صادر می‌شد [سیوری،۱۳۶۶: ۱۳۸].

استفاده از پارچه‌های زربفت در هند نیز سابقه‌ای طولانی دارد. برخی از محققان معتقدند بافتن پارچه‌های زری احتمالاً توسط آریایی‌ها به هند عرضه شده است، زیرا بافندگی پارچه برای آنها اهمیت زیادی داشت. در نوشته‌های «ودیک»[۴] از پارچه‌هایی نام برده شده که با نخ‌های طلایی تهیه شده‌اند. واژه پارچه طلایی نظیر هیرانیا دراپی[۵] نیز در نوشته‌های قدیمی هند وجود دارد که اشاره به زربفت‌های هندی است [Agrawal, 2003:13]. همچنین در ریگ ودا[۶] و نیز در نوشته‌های سانسکریت رامایانا[۷] اشاره شده است به ترتیب خدایان لباس طلایی و قهرمانان لباسی از پارچه طلایی می‌پوشیدند [Scott,1993: 63].

«استرابو[۸]» نویسنده یونانی، نوشته است در زمان موریا[۹]در هند (۳۲۲ تا ۲۹۷ قبل از میلاد) لباس‌های زربفت یا پارچه‌های بافته شده با طلا، بسیار مورد توجه مردم بود و در جشن‌ها و اعیاد، فیل‌ها را با پارچه‌های طلایی و نقره‌ای تزئین می‌کردند و شرکت‌کنندگان در مراسم، لباس‌های زربفت و گلدوزی شده می‌پوشیدند [Agrawal, 2003:18].

در دوره گورکانیان هند، با مهاجرت صنعتگران مسلمان و نقشه‌بندهای[۱۰](طراحان) ایرانی به آن سرزمین، زری‌بافی رونق بیشتری یافت.

در این دوره، بافندگانی از مراکز زری‌بافی ایران مانند یزد، شوش و نیز از آسیای مرکزی در کارگاه‌های درباری حضور داشتند تا پارچه‌هایی مخصوص سلطان ببافند. آنان اساتید چیره‌دستی در طراحی و بافت پارچه‌های طرح‌دار بودند.

در این دوره تولید پارچه‌های ابریشمی زربفت در هند تحت تأثیر مراکز زری‌بافی در جنوب ایران گسترش یافته بود، به خصوص پارچه‌هایی با طرح بوته گل بسیار مورد توجه درباریان قرار گرفت، به نحوی که از پارچه‌های مشابهی که در ایران بافته می‌شد به راحتی قابل تشخیص نبودند [کونل، ۱۳۶۸: ۲۲۴].

مراکز بافت زری در هند در اطراف پایتخت و شهرهای مقدس قرار داشت، زیرا دربار و معابد، متقاضی پارچه‌های گران‌قیمت و نفیس بودند.

تجار ثروتمند نیز در گسترش این پارچه‌ها نقش مهمی داشتند. ثروتمندان علاوه بر تجارت انواع پارچه به بافندگان سرمایه‌ای می‌پرداختند تا مواد اولیه گران‌بها تهیه کنند و پارچه زری ببافند [Agrawal, 2003: 67].

مهم‌ترین زربفت‌های هندی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :

۱. کم خواب[۱۱]: کم خواب واژه‌ای فارسی است، (kim) یعنی کم یا به ندرت و (khwab) یعنی رویایی، یعنی چیزی که به ندرت هم به خواب می‌آید و گفته می‌شود که حتی با این واژه، زیبایی و جذابیت پارچه به سختی بیان می‌شود. پارچه کم‌خواب، زربفت ابریشمی با زمینه طرح‌دار زیبا و سنگین وزنی است که برای تهیه اثاثیه و ندرتاً لباس به کار می‌رود. طرح این پارچه شامل نقش‌مایه‌های کوچکی از انواع گل‌ها، حیوانات، پرندگانی مانند قو و بلبل، شکارگران، آهو، فیل و انسان است که در ردیف‌های افقی بافته شده‌اند [Dhamija & Jyotindra,1989: 135].

۲. پات تان[۱۲]: پارچه زربفت ابریشمی سبک‌تر و با تزئینات کمتر را «پات تان» می‌نامند.

در این پارچه تمام یا بخشی از طرح با نخ‌های زری طلایی یا نقره‌ای بافته شده است که معمولاً این پارچه برای تهیه البسه نفیس به کار می‌رود [www.deccanherald.com/2010].

پارچه‌های زربفت با نخ‌های ابریشمی، سیمین، زرین و گلابتون و با دستگاه‌های بافندگی دستوری (نقشه‌بندی) یا ژاکارد[۱۳] بافته می‌شوند. مهم‌ترین الیاف مورد استفاده در بافت زری، ابریشم است. ابریشم دارای استحکام، نرمی و درخشش کافی برای تهیه پارچه زربفت است. ابریشم مورد مصرف در زری‌بافی هند دو نوع است؛ اهلی و وحشی [Gillow& Bernard,1999: 35].

در تهیه زری، بافنده، نخ پود گلابتون را با ماکوی بافندگی در تمام عرض پارچه عبور می‌دهد که در این صورت این نخ در نقاطی که بافت نرفته است به طور شناور در پشت سطح پارچه باقی می‌ماند.

در روش دیگر معروف به «تاپستری» نخ پود زری در تمام عرض پارچه بافت نمی‌رود، بلکه در جایی به کار می‌رود که طرح نیاز دارد. روش دیگر این است نخ پود گلابتون در پشت پارچه، زمانی که بین دو نگاره قرار می‌گیرد، بریده شود.

این روش ارزان‌تر و سریع‌تر است. کاربرد تمامی این شیوه‌ها در زری‌بافی ایران مشخص شده است [پوپ،۱۳۸۷،ج۵ : ۲۵۳۶].

مقایسه تحلیلی نقوش زربفت‌های هندی با صفوی

در طول تاریخ، دو کشور ایران و هند ارتباط مستمری با هم داشته‌اند. تأثیرپذیری آنها از هنر و فرهنگ یکدیگر در ادوار مختلف تاریخی، بالاخص در دوره گورکانیان هند، توسط محققان مختلفی بیان شده است. پادشاهان هند از مهاجرت ایرانیان حمایت زیادی می‌کردند و همواره مشوق حضور نخبگان ایرانی در دربار هند بودند [ارشاد، ۱۳۷۹: ۲۰۱؛ فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۸]. در دوره اسلامی، مغولان هند به زمینه‌های هنری و فرهنگی ایران توجه داشتند و با مهاجرت تعدادی از صنعتگران، هنرمندان و بافندگان ایرانی به دربار گورکانی، هنر پارچه‌بافی هند رونق زیادی یافت. برای مثال چهار هزار خزاز[۱۴]، بافنده ابریشم، در کارگاه سلطان دهلی کار می‌کردند و شیوه‌ها و طرح‌هایی که آنها ارائه می‌کردند بر بافته‌های هندی مؤثر بود. هند که قادر به جذب شیوه‌های مختلف هنری بود به سرعت تولیدکننده پارچه زری، یکی از ظریف‌ترین منسوجات هندی شد و شیوه بافت ایرانی زری در مراکز پارچه‌بافی آن گسترش یافت [Harris, 2006: 111].

عواملی همچون روابط دیرین تجاری، سیاسی و اقتصادی، مشترکات فرهنگی و اعتقادی اسلامی، مهاجرت تعدادی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی به دربار سلاطین گورکانی و علاقمندی دربار هند به زبان و ادب فارسی، که ۴۰۰ سال زبان رسمی درباری بود، نقش مهمی را در گسترش هنر و فرهنگ ایرانی در دربار هند داشت. لذا به وفور می‌توان شباهت‌هایی را در آثار هنری دو کشور مشاهده کرد.

زربفت‌های هندی تحت حمایت دربار تهیه می‌شدند و تزئینات آنها شامل اقتباسی از عناصر ایرانی و هندی بود. تهیه طرح پارچه، نقش مهمی در بافت پارچه زری داشت. انتخاب و اجرای طرح‌های ظریف به اساتید ماهر و هنرمندی نیاز داشت که قادر به انجام ترکیب‌بندی‌های مناسب هم در طرح و هم در رنگ پارچه مورد نظر باشند.

همچنین فرهنگ و هنر مسلمانان شیعه آواده[۱۵] که ریشه‌ای ایرانی داشتند، تحت تأثیر دربار صفوی بود. آنها در بافته‌های خود تصاویری مانند صحنه‌های شکار و طرح‌های گیاهی که در ایران متداول بود را به کار می‌بردند و البته آنها نیز تحت تأثیر ایرانی‌ها بود [Agrawal, 2003:109].

در طرح پارچه‌های زربفت گورکانی که تحت تأثیر زربفت‌های صفوی تولید می‌شد، می‌توان نقش‌مایه‌های تزئینی مشترکی را مشاهده کرد. تحت تأثیر هنر صفوی در هند، طرح‌های ایرانی در زربفت‌های گورکانی نمایان شد.

هنرمندان هند براساس سنت‌های هنری بومی، نقش‌مایه‌ها و طرح‌های ایرانی را اقتباس کرده و از آنها برای تزئین منسوجات استفاده کرده‌اند. همچنین بافندگان پارچه‌های زری با تکیه بر ذوق و استعداد ذاتی خود ضمن بافت پارچه، تغییراتی را در طرح‌های متداول آن ایجاد کرده‌اند که نهایتاً به نوعی خلاقیت و نوآوری در نقوش منجر شده و طرح‌های بدیع و زیبایی را روی پارچه‌ها به وجود آورده است. لذا عمده‌ترین ویژگی‌های پارچه زربفت هندی را می‌توان در موارد ذیل یافت :

۱. محتوا و مضمون : طرح و نقش آثار هنری هر کشوری، حاوی مضامینی آشنا برای مردم آن مملکت است. اگرچه هنرمندان غالباً از مضامین گوناگونی در تزئین پارچه استفاده کرده‌اند، اما با اینحال مضامین مشترکی در زربفت‌های صفوی و گورکانی هند قابل شناسایی است؛ در زربفت‌های صفوی تصاویری از داستان‌های تاریخی و حماسی، بزمی، شکار، مناظر طبیعی، جانوران و گل‌ها و درختان نقش شده است که برخی از این نقوش ریشه‌ای کهن در هنر ایران دارند.

در زربفت‌های گورکانی نیز مناظر طبیعی، گل‌ها و گیاهان، نقوش تصویری مانند مجالس بزم و حیوانات از محورهای غالب و مشترک با زربفت‌های صفوی به شمار می‌روند.

۲. طراحی نقوش : نقوش و طرح‌های گوناگونی که روی منسوجات دیده می‌شود، نمایانگر ذوق و سلیقه مردم است. ویژگی اصلی پارچه‌های زربفت در زیبایی طرح و رنگ‌های جذاب و در برخی از آنها تقارن و نظم است که با بافتی ظریف تهیه شده‌اند. مهارت پارچه‌بافان تا حدی است که با خلاقیت ویژه‌ای، تصاویر را با آراستگی روی پارچه خلق کرده‌اند.

این شیوه زمانی امکان‌پذیر است که بافنده پارچه، خود، طراح آن نیز باشد و موضوع را به خوبی درک کرده و نیز مهارت کافی در بکارگیری فنون بافت به منظور اجرای دقیق طرح را داشته باشد. با این رویکرد بافنده پارچه علاوه بر طراحی و ترکیب‌بندی نقوش در زمان بافت پارچه به علت آشنایی با شیوه پیچیده بافت پارچه زری، قادر است ظریف‌ترین طرح‌ها را با جزئیات کامل نمایان سازد.

۳. شیوه‌های بافت : هنر بافندگی زری با نوعی صنعت ظریف همراه است. بافنده باید از کیفیت مواد و شیوه‌های بافت اطلاع کافی داشته باشد تا قادر به تولید چنین پارچه نفیسی باشد.

ویژگی‌های فنی منجر به خلق بافت مشترکی بین زری‌های صفوی و گورکانی می‌شود، از قبیل : نوع طرح بافت که غالباً بافت زمینه پارچه زری طرح ساتن یا کج راه است و بکارگیری یک چله نخ تار و دو سری نخ پود در بافت پارچه، که اولین پود ابریشمی برای بافت زمینه پارچه و پود گلابتون برای نقش‌اندازی است، از ویژگی‌های اساسی در بافت پارچه زربفت به حساب می‌آید.

در تأثیرپذیری زربفت‌های هند گورکانی از هنر صفوی می‌توان به لغات فنی مشترکی که ریشه‌ای ایرانی دارند هم اشاره کرد.

واژه‌هایی مانند : "کارگر، استاد، بلبل، بوته‌دار"[۱۶] و واژه‌های دیگری که عیناً در هنر پارچه‌بافی ایران نیز به کار می‌روند.

این منسوجات علاوه بر اینکه دارای نقوش جالبی هستند، از نظر شیوه‌های بافت پارچه نیز پیچیده هستند و بافت آنها تأکیدی بر مهارت‌های فنی پارچه‌بافان آن دوره است [Agrawal, 2003:57].

۴. انواع طرح : طرح و رنگ پارچه‌های زربفت اهمیت زیادی در

تولید آن دارد. طرح پارچه‌های زربفت تابع اصول خاصی است و می‌توان طرح‌های مشترکی را بین تولیدات دو کشور شناسایی کرد؛ بندی، سراسری، راه راه، لچک و ترنج، محرابی و نوشته‌دار.

طرح زربفت‌های صفویه و گورکانی

انواع طرح پارچه‌های زری را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد :

• بندی : این طرح دارای شبکه‌های لوزی، مربع یا مستطیل شکل ساده به صورت منظم و تکراری است. درون هر فضا نقشی یا بوته و گلی دیده می‌شود که به صورت انتزاعی یا واقع‌گرایانه به کار رفته است. بند دور قاب‌ها غالباً باریک و گاه نیز با اسلیمی تزئین شده است (تصاویر ۱و۲). هنرمندان ایرانی در این دوره برای تزئین پارچه‌ها از اشکالی استفاده کرده‌اند که درون هر قاب آن نقش حیوان، اشکال پرندگان یا سایر عناصر تزئینی دیده می‌شود و با استفاده از این ترکیب‌بندی به عنوان عناصر تزئینی نهایت ذوق و مهارت خود را به کار برده‌اند. همین ویژگی عیناً در برخی از زربفت‌های هندی هم دیده می‌شود که در سراسر پارچه قاب‌هایی وجود دارد که داخل آنها نگاره‌های تزئینی تکراری دیده می‌شود.

تصویر۱. پارچه صفوی با طرح یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین. مأخذ : پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۳۵.

Fig1.Safavid brocade with Yousef and Zolaykha and Khosro and Shirin designs. Source: Pope, Vol 11,2008:1035.

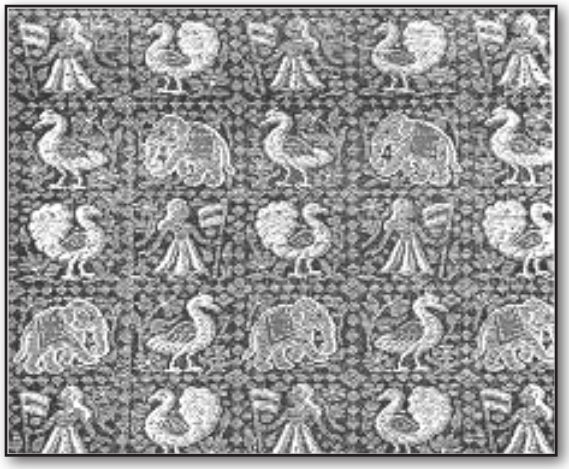

تصویر۲. پارچه هندی با طرح زن و حیوانات. مأخذ : Agrawal, 2003:81.

Fig2. Indian brocade with women and animal designs. Source: Agrawal, 2003:81.

• سراسری : در این طرح، نقش در کل اثر تکرار می‌شود. نقش گل از قدیمی‌ترین نقوش ایرانیان است که در اشکال مختلفی در شاخه‌های هنری ایران پدیدار شده است. گاهی گل‌ها نقش غالبی را در زمینه پارچه دارند و گاهی از داخل یک گلدان بزرگ رشد کرده‌اند و دارای شاخ، برگ و میوه هستند و گاه فاقد گلدان و میوه. از نقوش گل‌های متداول در پارچه، می‌توان گل سرخ و نیلوفر را نام برد. در این پارچه‌ها نقش گل‌ها به صورت طرح‌های واقعی یا تجریدی که در ردیف‌های افقی تکرار شده‌اند، فراوان به چشم می‌خورد. هنرمندان این دوره گلچینی از گل‌ها را در زمینه پارچه به صورت طبیعی یا تجریدی به وجود آورده‌اند. در بررسی آثار هندی نیز می‌توان مشاهده کرد گل‌ها و گیاهان و بوته‌ها با شاخه‌ها و برگ‌ها بیشترین نقش را در زری‌ها به خود اختصاص می‌دهد (تصاویر۳ و۴).

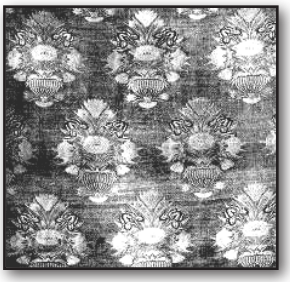

تصویر۳. پارچه صفوی با طرح گل و گلدان. مأخذ : پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۳۸.

Fig3. Safavid brocade with flowers and vase. Source: Pope, Vol 11, 2008:1038.

تصویر۴. پارچه هندی با طرح گل و گلدان.مأخذ : Agrawal, 2003:64.

Fig4. Indian brocade with flowers and vase. Source: Agrawal, 2003:64.

نقش گل‌ها به صورت مکرر در سطح بافته دیده می‌شود و طرح پارچه دارای تقارن و نظم و ریتم مخصوصی است.

• راه راه : این طرح دارای راه‌هایی عمودی است که این راه‌ها می‌تواند عرض‌های متفاوت یا یکسانی داشته باشد. درون این راه‌ها غالباً با آرایه‌های گیاهی و انواع گل‌ها تزئین می‌شود. این طرح غالباً برای تزئین پرده‌ها و دیوارکوب‌ها به کار می‌رود و دارای تکرار عناصر است به طوری که تکرار منظم در سراسر پارچه دیده می‌شود (تصاویر ۵ و۶). در آثار هنری ایران فراوان از این طرح استفاده شده است. کاربرد طرح راه راه در زربفت‌های هندی کاملاً نمایان است. به علاوه قابل ذکر است این طرح در شال‌های کشمیری هند نیز فراوان به کار رفته است.

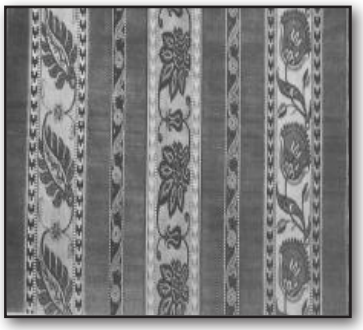

تصویر۵. زربفت اصفهان. مأخذ : پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۴۹

Fig5. Esfahan brocade. Source: Pope, Vol 11, 2008: 1049.

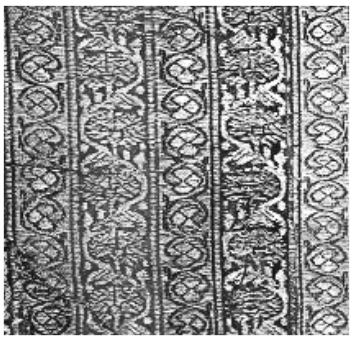

تصویر۶. زربفت بنارس. مأخذ : Agrawl,2003:16.

Fig6. Varanasi brocade. Source: Agrawal, 2003:16.

• لچک و ترنج : این طرح از نقوش متداول در هنر ایران به خصوص نقوش قالی به حساب می‌آید. در این طرح یک ترنج مرکزی به شکل دایره، لوزی یا بیضی در وسط کار قرار می‌گیرد و گاهی یک چهارم آن در گوشه‌ها تکرار می‌شود. لچک که یک طرح مثلثی شکل است، در چهار گوشه پارچه نمایان می‌شود و شامل یک چهارم طرح ترنج است. گاهی ترنج دارای کلاله است و با حاشیه‌های تزئینی تکمیل می‌شود و گاهی نیز طرح فاقد لچک است (تصاویر ۷ و۸). غالباً ترنج به عنوان طرح واحد حفظ می‌شود و نباتات و گل‌ها متن پارچه را می‌پوشانند.

• طرح محراب : این طرح فاقد هرگونه تصویر انسان یا حیوان است و غالباً از نقوش گیاهی و اسلیمی و گل‌ها در تزئین آن استفاده

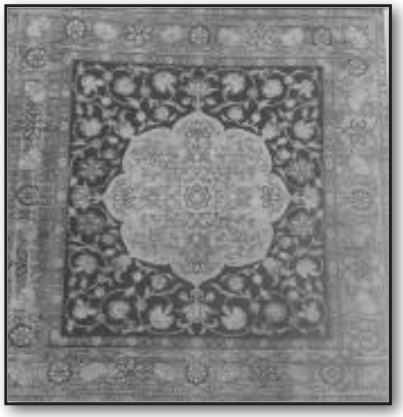

تصویر۷. ابریشم زربفت اصفهان. مأخذ : پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۵۳.

Fig7. Esfahan brocade. Source: Pope, Vol 11, 2007:1053.

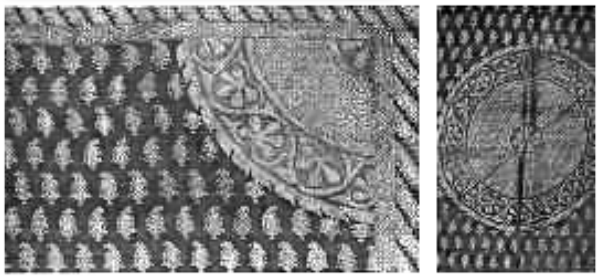

تصویر۸. زربفت بنارس. مأخذ : Agrawal,2003: 27 .

Fig8.Varanasi brocade.Source: Agrawal,2003:27.

می‌شود. شکل کلی آن را در هنر قالی‌بافی و کاشیکاری و معماری ایران اسلامی نیز می‌توان مشاهده کرد. این طرح در زربفت‌های ایرانی بیشتر دیده می‌شود و کاربرد آن در پارچه‌های هندی کمتر است و غالباً به منظور صادرات تولید می‌شد (تصاویر ۹ و ۱۰). این طرح در پارچه‌های صفوی و در مواردی بیشتر دیده می‌شود که پارچه به مصرف سجاده نماز، روپوش قبر بزرگان، دیوارکوب و پرده مکان‌های مذهبی می‌رسید.

در این پارچه‌ها رعایت تناسب میان فضاهای خالی و پر به گونه‌ای است که میان سطوح مربوط به نقش‌مایه‌ها و زمینه پارچه تناسبی نسبی برقرار شده است.

تصویر۹. پرده ابریشمی زربفت اصفهان. مأخذ : پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۴۷.

Fig9. Brocade curtain from Esfahan. Source: Pope, Vol 11, 2007:1047.

تصویر۱۰. پردهٔ ابریشمی آگرا. مأخذ :Agrawal,2003:101 .

Fig10. Brocade curtain from Agra. Source: Agrawal, 2003:101.

• بکارگیری خط : در هنر ایران اسلامی فراوان از خط نوشته‌ها در طرح پارچه استفاده شده است. در دوره صفوی نیز انواع خط ثلث و نستعلیق توسط هنرمندان در تزئین منسوجات به کار گرفته شده است. اشعار شعرای بزرگ، آیات قرآن و ادعیه که بعضاً در کتیبه‌هایی محصور هستند، در زینت پارچه‌ها استفاده شده است [روح‌فر،۱۳۸۰: ۵۳]. در برخی از زربفت‌های هندی نیز نوشته‌هایی از کتب مقدس وجود دارد که این پارچه‌ها معمولاً برای استفاده در معابد تهیه شده‌اند. این منسوجات نفیس در هنگام مراسم عبادی و مذهبی به کار می‌روند و به عنوان دیوارکوب یا روپوش حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرند (تصاویر ۱۱و۱۲). در بافت این پارچه‌ها تکرار نقش خطوط به وضوح دیده می‌شود که از ریتمی منظم و تکراری برخوردار است.

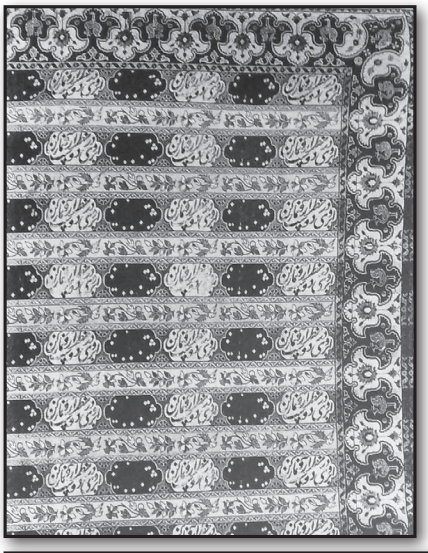

تصویر۱۱. ساتن صفوی نوشته‌دار. مأخذ : پوپ، ج۱۱، ۱۳۸۷: ۱۰۸۲.
Fig11. Safavid Sateen with calligraphy. Source: Pope, Vol 11, 2008: 1082.

تصویر۱۲. زری بنارس با نام راما از خدایان هند. مأخذ :Agrawal,2003:78
Fig12.Varanasi brocade including Rama, an Indian god. Source: Agrawal,2003:78.

نقوش تزئینی زربفت‌های صفوی و گورکانی

نقوش تزئینی گوناگونی برای تهیه زربفت‌ها به کار رفته‌اند که موضوعات تزئینی آنها را می‌توان به پنج گروه نقش گل‌ها و درختان، حیوانات و پرندگان، انسان، خط و اشکال هندسی تقسیم کرد. این نقوش به صورت واقع‌گرایانه یا انتزاعی یا تلفیقی از هر دو در اشکال گوناگونی روی پارچه‌ها قابل مشاهده هستند :

• گیاهان و درختان : هنرمندان ایرانی همواره شیفته کاربرد نقوش گل‌ها و بوته‌ها بودند و غالباً نقوش گیاهان و درختان در کنار موضوعات تزئینی دیگری بر روی پارچه‌های زربفت بافته شده‌اند. کاربرد نباتات در کنار موضوعات تزئینی دیگر با دقت و مهارت انجام شده و نگاره‌ها با انسجام و مهارت خاصی به کار رفته‌اند. هنرمند از انواع گل‌ها و برگ‌ها در تزئین حواشی و زمینه پارچه استفاده کرده است. از نظر نگاره تکرارشونده طرح در سطح پارچه‌های زری، می‌توان به نقوش منفرد اشاره کرد؛ مانند گل‌هایی که به تنهایی و به طور تکراری در نظم خاصی بافته شده‌اند یا به صورت دسته‌گل‌های افشان چندشاخه‌ای روی پارچه دیده می‌شوند.

تکرار گل‌ها در ردیف‌های متوالی و به صورت انتزاعی یا واقعی یا ترکیبی از این دو دیده می‌شود. نقش گل‌ها گاه به صورت هم‌سان و گاه به صورت قرینه زیبایی خیره‌کننده‌ای را ایجاد کرده است. بافندگان در تزئین پارچه‌های زری از نقش گل‌هایی نظیر نسترن، نیلوفر، سرخ و سایر انواع گیاهان بهره برده‌اند.

در این زمان ترکیب گل‌ها با مرغ نیز از موضوعات مورد توجه هنرمندان بوده است. در تعدادی از منسوجات می‌توان نقش درختی را مشاهده کرد که کاملاً با انواع گل‌ها و شکوفه‌ها زینت و بلبلی یا پرنده‌ای در حال پرواز بر فراز درخت طراحی شده است. نقوش اسلیمی نیز با توجه به سبک طبیعت‌گرایی هندی در زری‌های گورکانی کاملاً نمایان است.

نمونه بارز آنها بندهای اسلیمی متصل به هم هستند که قاب‌های تزئینی ایجاد کرده و درون آنها با اشکال متنوعی پر شده است. هم‌نشینی نقوش گوناگون مانند گل‌ها و حیوانات در زربفت‌ها طرح‌های زیبایی را به وجود آورده است. به نظر می‌رسد که طرح و نقش پارچه‌های زربفت هندی به اندازه پارچه‌های صفوی متنوع نیست و بیشتر طرح‌های آنها را گل‌ها و بوته‌ها تشکیل می‌دهد.

• حیوانات : بافندگان پارچه‌های زری از نقش حیوانات اعم از اهلی و وحشی با توجه به موضوع کلی طرح در کنار پرندگان استفاده نموده‌اند. آنها تصاویری از پرندگان و حیوانات را بافته‌اند که بیشتر در مناظر قرار گرفته‌اند.

این حیوانات غالباً در مضمون داستانی که شامل منظره یا انسان است نقش شده‌اند؛ از جمله نقش پرندگان متقابل در دو سوی یک درخت که کاربرد آن در هنر تزئینی ایران قدمتی دیرینه دارد. البته حضور انواع گونه‌های گیاهی نیز در این موارد قابل ذکر است. در طرح برخی از پارچه‌ها نقوش اسلیمی با گل و بوته

و نقش حیوانات همراه شده که با هنرنمایی خارق‌العاده‌ای تجسم یافته است. نقش ردیف گل‌ها و بوته‌ها که در میان آنها پرندگانی دیده می‌شوند (طرح گل و مرغ) آرایه‌ای تزئینی است که ریشه‌ای ایرانی دارد و بر زری‌های هند بافته شده است.
گاهی نیز پرندگان در حال پرواز بر فراز درختان دیده می‌شوند. تصاویر پیکره‌های حیوانی در هنر صفوی نیز غالباً با اشکال هندسی یا گل‌ها و درختان قرار داده شده و هدف از آن تزئین پارچه بوده است. عموماً نقوش پارچه‌ها با تصاویر انسان و حیوان غالباً جنبه‌ای تزئینی برای پارچه دارند. در این پارچه‌ها حیوانات در زمینه طرح یا در کنار انسان قرار می‌گیرند.
• پیکره انسان : هنرمندان ایرانی تصاویری از انسان را در آثار خود به خصوص منسوجات به کار برده‌اند. بافنده پارچه بر حسب سلیقه خود یا به ضرورت ایجاد طرح و تزئین آن، از نقش انسان در طرح پارچه استفاده کرده است. گاه نقش یک انسان به عنوان طرح کلی به صورت آرایه‌ای تزئینی منفرد استفاده شده و زمانی آدمیان در مجالس بزم یا شکار نشان داده شده‌اند. تصاویری قرینه از پیکره‌ها نیز به کار رفته که بعضاً با عناصر تزئینی دیگری مانند گیاهان و گل‌ها همنشین شده است. ترکیب آگاهانه عناصر گوناگون در کنار یکدیگر، طرح‌های بدیعی ایجاد کرده که با استفاده از رنگ‌های زیبا و درخشان، تولیداتی ماندنی آفریده است. هنرمندان برای ایجاد یک منظره یا شرح یک داستان تاریخی یا تخیلی از تصویر آدمیان استفاده کرده‌اند.
در زری‌های صفوی نقش انسان را می‌توان بیشتر در مجالس بزم و طرب، شکار حیوانات و داستان‌های شاهنامه مشاهده کرد. چنین رویکردی حکایت از ویژگی بارزی دارد که هنرمندان ایرانی همواره درصدد جلب نظر پادشاهان بوده‌اند. البته در زربفت‌های صفوی تصاویری از منظومه‌های شاعران، تصویر لیلی و مجنون که از موضوعات مورد توجه در تاریخ ایران است و همچنین تصاویری از شاهزادگان و درباریان نیز نشان داده شده است که مبین علاقه و توجه طراحان و بافندگان پارچه به ادبیات ایران است. این نقوش معمولاً در فضای خارج از ساختمان و در فضای بازی مانند باغ تصویر شده‌اند.
به نظر می‌رسد سلاطین و حکام از دوران قدیم در تاریخ ایران اهمیت ویژه‌ای داشتند و آثار هنری گوناگونی که تصویر آنان را نمایش می‌دهد از ادوار مختلف بر جا مانده است. با بررسی زربفت‌های تصویردار صفوی می‌توان دریافت نقش پادشاهان، بزرگان و اشراف‌زادگان در مناظر گوناگونی روی این منسوجات بافته شده است. در اغلب پارچه‌هایی که دارای تصاویری از انسان هستند، مانند یک تابلو نقاشی، تمام جزئیات و خصوصیات با دقت نمایان شده و آدمیان اغلب دارای لباس‌های نفیسی هستند. نقوش انسانی در منسوجات هندی شامل نقش پادشاه، اطرافیان پادشاه و زنان است و هنرمند تلاش می‌کند نقش انسان را همراه با نقوش تزئینی دیگر از قبیل طرح‌های گیاهی نمایان سازد که ایجاد توازن بین این نقوش، خود نیاز به مهارت ویژه‌ای دارد.
• کاربرد خط : در بسیاری از منسوجات کاربرد خط نقشی اساسی دارد و در کنار سایر عناصر تزئینی مانند حیوانات، گیاهان و پیکره‌های آدمیان افزوده شده و هدف از کاربرد آن تزئین پارچه‌ها بوده است. هنرمندان از عرضه این‌گونه منسوجات هدف خاصی را دنبال می‌کردند. در تهیه زری‌های صفوی خط نسخ و نستعلیق برای نوشتن ادعیه– اشعار شعرا و آیات قرآن به کار رفته است. این خطوط به صورت خطاطی درشت یا خطوط ریز در بافت پارچه‌ها به کار رفته‌اند. جامعه آن زمان ایران جامعه‌ای مذهبی بود و سلاطین خود را ملزم به رعایت مسایل دینی می‌کردند. لذا بازتاب عقاید دینی در زربفت‌های نفیس آن زمان هم دیده می‌شود.
این منسوجات مصارف گوناگونی داشتند و غالباً به عنوان روپوش قبر بزرگان، پرده‌های مخصوص آرامگاه‌ها و اماکن مقدس به کار می‌رفتند یا به مصرف لباس‌هایی می‌رسیدند که روی آنها آیات و دعا نقش شده بود. بعضاً این خطوط در داخل کتیبه‌های هندسی محصور شده‌اند. کاربرد تصاویر گیاهان و اسلیمی‌ها در تزئین این طرح‌ها همراه با نوشته‌ها نیز دیده می‌شود. در زری‌های هندی خط غالباً در پارچه‌های مذهبی و مخصوص معابد به کار رفته است. انواع خطوطی که کارکرد مذهبی دارند روی پارچه‌هایی بافته شده‌اند که به عنوان دیوارکوب در معابد استفاده می‌شدند. کاربرد خط فقط به زری‌های هند محدود نمی‌شود، بلکه آثاری از آن در شال‌های کشمیری هند نیز شناسایی شده است.
اشکال هندسی : کمتر زربفتی را می‌توان مشاهده کرد که تنها با اشکال هندسی تزئین شده باشد. اغلب آنها با اشکالی نباتی تکمیل شده‌اند که به صورت نقوش قلبی شکل، نقطه و دایره نمایش داده می‌شوند. همچنین خطوط عمودی، انواع قاب‌ها و خانه‌هایی به شکل مربع، مستطیل ساده افقی یا عمودی و یا لوزی در تزئین پارچه به کار رفته است از نقوش هندسی غالباً برای جداسازی انواع نقوش استفاده می‌شد. کاربرد طرح‌های دایره‌ای شکل در ایران به دوره ساسانی برمی‌گردد. این نقوش تزئینی را «مدالیون» یا «ترنج» می‌نامند که به عنوان قاب تزئینی به کار رفته‌اند و انواع طرح‌ها در داخل آنها دیده می‌شود. در زربفت‌های هندی نیز طرح دایره‌های کوچک (مانند سکه‌های مس یا طلا) با نام طرح «بوته اشرفی» یا سکه طلا در زربفت‌های گجرات و بنارس دیده می‌شود [Agrawal, 2003: 22]. خطوط مورب، اشکال هندسی و زیگزاگ در تولیدات هند همواره در طول تاریخ به کار رفته است به طوری که از اشکال هندسی و قاب‌ها برای جداسازی نقوش در طرح پارچه استفاده شده است. در بافندگی هند به کاربردن نقطه‌ها و خطوط و اشکال دایره‌ای و ترنج‌هایی با اشکال متفاوتی که درون هریک نقشی دیده می‌شود، بسیار متداول است.
در جدول ۱ می‌توان تصاویری از عناصر تزئینی زربفت‌های صفوی و گورکانی هند را در مقایسه با یکدیگر مشاهده کرد.

جدول۱. نمونه‌هایی از عناصر تزئینی در زربفت‌های صفوی و گورکانی هند. مأخذ : نمونه‌های ایرانی: پوپ،ج۱۱، ۱۳۸۷و نمونه‌های هندی : Agrawal, 2003

Table1. Samples of decorative designs in Safavid and Gorkanid brocades. Source of Iranian Samples: Pope, Vol 11, 2008 and Indian samples: Agrawal,2003.

گل‌ها و گیاهان	ایران	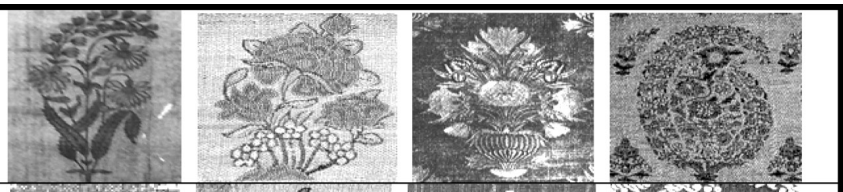
	هند	
پرندگان و حیوانات	ایران	
	هند	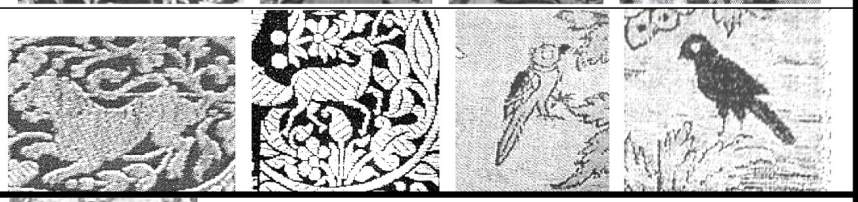
تزئینی و هندسی	ایران	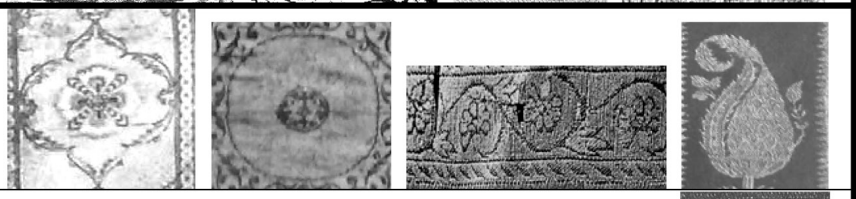
	هند	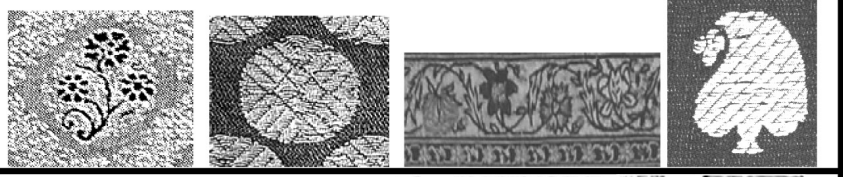
انسان و نوشته	ایران	
	هند	

نتیجه‌گیری

پارچه‌های زربفت یکی از مهم‌ترین بافته‌های دوره صفوی در ایران هستند که پارچه‌بافان گورکانی هند از آنها تأثیر بسیاری پذیرفته‌اند. بهترین مواد اولیه با فنون بافت پیچیده در تهیه این بافته‌ها به کار رفته است. پارچه‌بافان در دوره صفویه از شیوه‌های بافت متنوعی در تهیه زربفت‌ها استفاده می‌کردند. نقوش نباتی، اشکال حیوانات به صورت انتزاعی و واقعی، مناظر باغ‌های بهشتی، تصاویر انسان و پرندگان بر روی منسوجات زری بافته شده است. این منسوجات که در کارگاه‌های شاهی ایران تهیه می‌شدند، هم‌زمان در دربار مغولان هند نیز متداول شدند. چنانچه به نظر می‌رسد این بافته‌ها یا از ایران به هند وارد می‌شد یا در کارگاه‌های شاهی آنجا بافته می‌شدند.

در دوره گورکانیان هند با تأثیرگذاری زری‌های صفوی بر پارچه‌بافی هند، نقوش ایرانی بر بافته‌های هندی نمایان شد. هنرمندان گورکانی قابلیت جذب تأثیرات زیادی را از هنر سایر کشورها داشتند و آنها را با شیوه‌های تزئینی خود منطبق می‌کردند. در این راستا هنرمندان هند نیز تعداد زیادی از عناصر زینتی را از هنر ایران وام گرفتند. برخی از آرایه‌های تزئینی که در منسوجات صفوی و گورکانی مشترک هستند، با چنان تشابهی در بافته‌های دو کشور به کار رفته‌اند که نمی‌توان به طور قطع محل تولید آنها را مشخص کرد. این نقوش به صورت کاملاً واقع‌گرایانه یا انتزاعی بر روی پارچه‌ها نقش بسته‌اند. طرح‌های مشترک زربفت‌های دو کشور شامل طرح‌های بندی،سراسری، راه راه، لچک و ترنج، محرابی و خطدار است. همچنین نقوش زینتی این پارچه‌ها طیف بزرگی از نقش‌مایه‌های گیاهی، حیوانی، انسانی و هندسی را در برمی‌گیرد. نقوش طبیعی مانند مناظر، گل‌ها و گیاهان و سایر آرایه‌ها در زری‌های هندی مکرراً استفاده شده و حضور پیکره‌های انسانی کمتر به چشم می‌خورد، لیکن در مجموع حضور پیکره‌های انسانی در زمینه زری‌های صفوی بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. پشتی / ۲. سیاح فرانسوی که در دوره شاه عباس دوم به ایران سفر کرد. / ۳. نویسنده انگلیسی و استاد تاریخ دوره صفوی / ۴. مجموعه‌ای از سرودهای آئین هندو به زبان سانسکریت / ۵. hiranya drapi ۶. مجموعه‌ای از سرودهای آیین هندو و کهن‌ترین بخش کتاب وداها است. / ۷. کتاب مقدس و حماسی رامایانا، زندگی راما هفتمین تجلی ویشنو است. / ۸. Strabo / ۹. بنیان‌گذار سلسله موریا، چاندرا گوپتا، توانست بر حاکمیت یونانی‌ها بر هند خاتمه دهد. / ۱۰. Nakshabandas / ۱۱. Kimkhwab / ۱۱. pot-than / ۱۲. نوع خودکار دستگاه بافندگی دستوری است. در این دستگاه نخ‌های تار با استفاده از ریسمان‌ها و کارت‌های سوراخدار حرکت می‌کنند. ۱۳. نوع خودکار دستگاه بافندگی دستوری است. در این دستگاه نخ‌های تار با استفاده از ریسمان‌ها و کارت‌های سوراخدار حرکت می کنند.
۱۴. Khazzaz /۱۵. بخشی از کشور هندAwadh / ۱۶. karigar- ustad- bulbul- butidar

فهرست منابع

- ارشاد، فرهنگ. ۱۳۷۹. *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*. تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ایرانشهر .۱۳۴۳. *نشریه شماره۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران*. ج۲. تهران : دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور اپهام. ۱۳۸۷. *سیری در هنر ایران*. ج۵ و ج۱۱. ت : نجف دریابندی و دیگران. تهران : علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر.۱۳۷۳. *لغت‌نامه دهخدا*، ج۸. تهران : دانشگاه تهران.
- رایس، تالبوت.۱۳۸۱. *هنر اسلامی*. ت : ماه‌ملک بهار. تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- روح‌فر، زهره.۱۳۸۰. *نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی*. تهران : سمت.
- سیوری، راجر.۱۳۶۶. *ایران عصر صفوی*. ت : کامبیز عزیزی. تهران : مرکز.
- فریه، ر. دبلیو.۱۳۷۴. *هنرهای ایران*. ت : پرویز مرزبان. تهران : نشر و پژوهش فرزان.
- کنبی، شیلا. ۱۳۸۵. *هنر و معماری صفویه*. ت : مزدا موحد. تهران : فرهنگستان هنر.
- کونل، ارنست. ۱۳۶۸. *هنر اسلامی*. ت : هوشنگ طاهری. تهران : توس.
- معین، محمد.۱۳۶۳. *فرهنگ فارسی*، ج۲. تهران : مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

Reference list

- Agrawal, Y. (2003). *Silk Brocade*. New Delhi : Luster Press.
- Asher, F. M. (2003). *Art of India*. London : Britannica Encyclopedia, Inc.
- Baker, P.L. (1995). *Islamic Textiles*. London: British Museum Press.
- Canby, S. (2006). *Art and Architecture of Safavid*. Translated from English by Movahed,M. Tehran : Art Academy.
- Conel, E. (1989). *Islamic Art*. Translated from English by Taheri, H. Tehran : Toos.
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Logat nameh Deh Khoda* [Deh Khoda Dictionary],Vol8. Tehran : University of Tehran.
- Dhamija, J. & Jyotindra, J. (1989). *Hand Woven Fabrics of India*. Ahmedabad : Main Publishing PVT Ltd.
- Ershad, F. (2000). *Mohajerat tarikhi- e Iranian be Hend* [Historical immigration of Iranian to India].Tehran: Motaleat va tahghighat- e farhangi.
- Feryeh, R.W. (1995). *Iran Arts*,Translated from English by Marzban, P. Tehran: Farzan.
- Gillow, J. & Barnard, N. (1999). *Traditional Indian Textiles*. London : Thames and Hudson Ltd.
- Harris, J. (2006). *5000 Years of Textiles*. London : British Museum Press.
- Iranshahr. (1964). National UNESCO Comission in Iran, No 22 . Vol2. Tehran: University of Tehran.
- Moein, M. (1984). *Farhang-e Farsi* [Farsi Dictionary].Tehran: Amir Kabir.
- Pope, A. A. (2008). *A survey on Persian art*,Vol 5. Translated from English by Daryabandi, N., et al. Tehran: Elmi va Farhangi.
- Rice,T. (2002). *Islamic Art*. Translated from English by Bahar, M. M. Tehran : Elmi va farhangi.
- Rohfar, Z. (2001). *Negahi bar Parchehbafi doran-e eslami* [Studying Fabric Weaving in Islamic Era].Tehran: Samt Publication.
- Scott, P. (1993). *The Book of Silk*. London : Thames and Hudson Ltd.
- Sivery, R. (1987). *Iran at Safavid Era*. Translated from English by Azizi, K.Tehran : Center Publication.
- www.deccanherald.com.Accessed 21 july 2010.

Comparative Study of Designs between Safavid and Gorkanid Brocades*

Farideh Talebpour**
Susan Khataei***

Abstract

Safavid era is a very important period for Iranian weaving industry. Many kinds of luxury fabrics were produced in different cities during this era. In fact, the weaving of all types of fabrics were developed rapidly under patron of Safavid kings. Two important luxurious fabrics at the time were velvets and brocades. Brocade weaving was at its climax of prosperity during the Safavid era.

The Safavid kings in Iran were considered to have close ties to the Gorkanid (Moghols) kings in India. This was mostly due to the cultural, political and social affinities between two dynasties at the time. It was therefore natural for artists to commute frequently between the two countries. This led to the development of common motifs and designs in artistic works, especially in woven products, of Iran and India.

Fabrics have always been an important component of Indian and Persian civilizations. In the Gorkanid era (16^{th}-17^{th} centuries A.D.) a diverse range of fabrics were produced. Remains of the fabrics obtained in India show that they were generally produced with the finest quality and usually contained decorative motifs including flowers, animals and geometrical patterns.

The present research was carried out through the historical and comparative methods. According to the library resources and pictures, the Indian brocade fabric designs were extracted and studied and then compared with those of Iranian artists to reveal the influence of Persian arts on Indian fabrics. Brocade is a silk golden fabric woven with supplementary weft yarn named "*zari*", a golden (silver) core yarn, to produce golden designs and luxury fabric used by king and royal family. The weft yarns were used for fabric decoration. The main warp and weft threads of the fabric are silk yarns.

Brocades were famous for the excellence of the weaving techniques and designs which were comprised of flowers, birds, animals and human figures. The most important specifications of Indian brocades can be classified as: content, techniques, aesthetics, designs, decorative elements and styles.

Brocade designs are very diverse. A common design is called framed design that consists of small frames on the surface of the fabric. Each small frame can be filled with one common motif or different motifs. Motifs included human figures, animals, flowers, etc. These kinds of designs are very common in Iranian fabrics.

Repeating decorative designs is another technique used in production of brocade fabrics. This was done by, for example, repeating one small motif throughout all the surface of the fabric. The common decorative elements are flowers, alone or with a vase. In Persian style designs of brocade, the flowers, trees and bushes are more common. Striped designs are also common in Indian and Persian brocades. Sometimes the strips are narrow and sometimes they are wide with designs of flowers drawn in them. These fabrics were used as wall hangings and curtains.

Medallion design is one of the most important decorative elements specially in carpet weaving. A circle or oval or lozenge shape was made in the centre of the fabric and then a quarter of the medallion was repeated in four corners to impart a symmetrical sense to the fabric. Mihrab design has no pictures of human or animals and is used to produce prayer rugs in Iran. In this style, flowers with arabesque designs were used for brocades decoration. This style was very common in Safavid brocades.

Calligraphy can be seen in Islamic arts. During Safavid period, artists used to decorate fabrics with writings. However, in some Indian brocades writings were used to produce fabrics. Motifs can be repeated regularly in small frames or used in different styles. Temples became a focal point for a group of artists and they ornamented their products in different ways in temples.

The inspirations from religions, the style of life, and nature have influenced craftsmen in brocade weaving. The amounts of decorative motifs in brocade fabrics are very high and include flowers and trees, animals and birds, human figures and geometric designs. Iranian artists tended to use flowers such as poppies and roses and bushes as main subjects in their works. However, other elements were later added to those designs. The application of designs is totally with skill and attention. The repeated element is a single flower or sometimes a bunch of flowers in real or abstract forms. Birds on the trees or flying birds are seen in brocades, as well. Also, domestic or wild animals were weaved on the main field of the fabrics such as deer and tiger. Animals were always located in the background such as birds with trees or animals with human.

Safavid weavers used human figures in their fabrics. Symmetric or asymmetric pictures were applied in fabric designs. Human can be seen in different perspectives. Sometimes people are in a party or in a jungle for hunting or appear as personifications of characters of an old story or epic poems such as Shahnameh. Geometrical designs are rare in brocade fabrics and usually are circle, dots, lines, zigzag and heart shapes.

Keywords

Brocade, Motifs, Designs, Safavid, Gorkanid.

*. This article was inspired by a reasearch project which is done by Susan Khataei, Farideh Talebpour, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

**. Ph. D in Textile Chemistry, Associate Professor, Art Department of Alzahra University, Tehran, Iran.
talebpour@alzahra.ac.ir

***. Ph. D in Art Reasearch, Assisstant Professor of Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.
s.khataei@gmail.com